

سفر به دنیای شادی



از هدف تان چشم بردارید!

اگر از فردی که در مسابقات اتومبیل رانی شرکت می کند، پرسید چه طور می تواند بدون برخورد با چیزی، از مکان های باریک و دشوار بگذرد، او در جواب می گوید: «به جایی که می خواهید بروید، نگاه کنید؛ نه به جایی که نمی خواهید بروید. اگر به دیوار چشم بدوزید، با آن برخورد می کنید.» می توانیم این استعاره را در زندگی مان نیز به کار ببریم. به جای تمرکز بر آن چه نمی خواهید، بر آن چه می خواهید، تمرکز کنید.

بیشتر مردم، زمان و انرژی زیادی را صرف تفکر درباره ی آن چه می خواهند از شرش خلاص شوند یا آن چه خواهند نخواستند، می کنند. برای نمونه: «ای کاش این صورت حساب ها نبودند.» در عوض، تلاش کنید بر آن چه می خواهید، تمرکز کنید.

تصور کنید چگونه چتربازان می توانند در حالی که در هوا معلق هستند، به سمت یکدیگر بروند و زنجیره های را تشکیل دهند؟ آنان فقط با نگاه کردن به چشم های یکدیگر می توانند با هم ارتباط برقرار کنند. سپس بدن شان، رد نگاه شان را دنبال می کند و به یکدیگر نزدیک می شوند. روزی وقتی گریه ی ما «مینگ» وارد دفترم شد، به فکر فرو رفتم. او دوست دارد کنار پنجره، پشت میز من بنشیند و پرنده ها را تماشا کند و در خیالش آن ها را بگیرد. وقتی در حال رفتن به لبه ی پنجره بود، به او نگاه می کردم. او ابتدا نشست و به بالای میز چشم دوخت. گویی در حال تمرکز است. سپس بالای میز پرید، به ارتفاعی که بیست برابر قدش بود. او به راحتی و بدون هیچ تلاشی بالا پرید. این به طور دقیق، کاربرد عملی این قانون را نشان می دهد؛ یعنی با اعتماد به نفس به هدف تان چشم بدوزید. عنصر دیگری که در این میان نباید نادیده گرفته شود، اعتماد است. او مطمئن است که قادر به انجام این کار است و به خودش اطمینان دارد. این اعتماد، او را قادر به انجام کار می کند.

منبع: «سفر به دنیای شادی» «جیم دناوان»
مترجم: «الهام آرام نیا - سید شمس الدین حسینی»

* به ندرت پیش می آید که اشخاص، نقطه را روی خط بگذارند؛ انگار جای دیگری روی صفحه وجود ندارد!
* بعضی افراد که بی توجه و یا پر جرات هستند، نقطه را خارج از دایره می گذارند. (هر جایی از صفحه)
* فقط تعداد انگشت شماری صفحه را برمی گردانند و نقطه را پشت صفحه قرار می دهند. این ممکن است نشانی از خلاقیت باشد.

مسأله ی دوم:

* اگر عدد ۹ را انتخاب کردید، به احتمال زیاد فردی ماجراجو هستید و در تمرین قبل هم نقطه را در نزدیک ترین فاصله به خط قرار دادید.
* اگر عدد ۷ را انتخاب کردید، فردی عادی و معمولی هستید.
* اگر عدد ۵ را انتخاب کردید، فردی محتاط هستید.
* اگر عدد ۳ را انتخاب کردید، به احتمال زیاد به داستان های خیالی و تاریخی علاقه مندید.

* اگر عدد ۱ را انتخاب کردید، شما یک نابغه اید. (به همین راحتی!) شاید به نظر شما این یک شوخی باشد، اما هر شوخی یک قسمت جدی نیز دارد. انسان خلاق، جوابی را انتخاب می کند که بیشتر از بقیه ی جواب ها از خواسته ی مسأله دور باشد.

حال می توانید روی دوستان خود امتحان کنید. به طور یقین می توانید پیش بینی کنیم تعداد افرادی که ۷ را انتخاب می کنند، به طور قابل ملاحظه ای از افرادی که ۱ را می نویسند، بیشتر است.

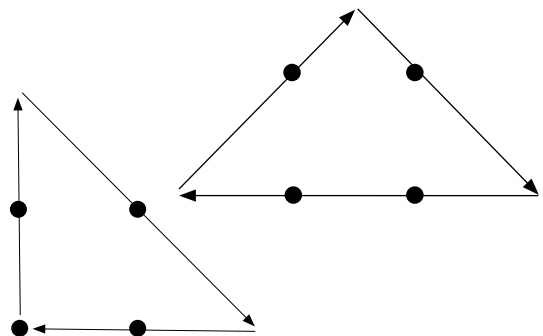
مسأله ی سوم: برای حل آن، از این نکته استفاده کنید: از کادر خارج شوید! راه حل، در خارج از کادر است. اگر پاسخ را پیدا نکردید، در پایین صفحه آخر، آن را پیدا کنید.

حال شما یاد گرفتید که یک ذهن خلاق باید نخست به دنبال پاسخ هایی خارج از قوانین و قواعد و یا خارج از سیستم باشد. افراد خلاق همیشه دنبال نوآوری هستند و روش هایی تازه برای انجام کارهای شان پیدا می کنند. خلاقیت، سرگرم کننده است. وقتی که شما راه حل خودتان را می آفرینید، به یک حس رضایت فوق العاده می رسید.

«هر چیزی که امروز عالی به نظر می آید، زمانی غیرممکن به نظر می رسد.» (ضرب المثل چینی)

نکته ی مهم: قانون دوم خلاقیت (چرا نه، به هر نه؟) در مورد های زیر نباید استفاده شود:

اصول اخلاقی، اخلاق و قوانین رفتاری و قانون های اجتماعی



«هر روز را طوری زندگی کنید که گویی آن روز، مهم ترین روز زندگی شماست.» «آنتونی رابینز»